

## تأثیر سبک معماری خانه‌های دوم بر توسعه کالبدی سکونتگاه‌های روستایی

علی اکبر عنابستانی<sup>۱</sup> - دانشیار جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران  
تیمور آمار - دانشیار گروه جغرافیا، واحد رشت، دانشگاه آزاد اسلامی، رشت، ایران  
سمیرا کاویانی - دانش آموخته کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران

تاریخ پذیرش: ۹۵/۰۳/۲۵

تاریخ دریافت: ۹۴/۰۶/۰۹

### چکیده

ساخت خانه‌های دوم به عنوان یکی از نمودهای توجه گردشگران به روستاها می‌باشد، که غالباً با هدف گذران اوقات فراغت در نواحی روستایی بنا می‌شوند و بر فضای روستایی در ابعاد مختلف، به ویژه کالبدی فیزیکی، تأثیرات مثبت و منفی زیادی دارند که به موازات توسعه‌ی گردشگری دارای ابعاد پیچیده‌تری می‌شود و هر روزه نیاز به تحلیل و تبیین این اثرات، بیش از پیش احساس می‌شود. پژوهش حاضر با هدف بررسی میزان تأثیر سبک معماری خانه‌های دوم بر توسعه کالبدی سکونتگاه‌های روستایی در شهرستان کلاردشت انجام شده است. این پژوهش، از حیث هدف کاربردی و به لحاظ روش و ماهیت توصیفی - تحلیلی است. برای جمع‌آوری اطلاعات از روش‌های اسنادی و میدانی استفاده شده است. جامعه آماری پژوهش، ۹ سکونتگاه روستایی شهرستان کلاردشت که در آن‌ها ساخت خانه‌های دوم چشم‌گیر بوده، می‌باشد. در سطح روستاها، حجم نمونه خانوارهای مورد پرسش‌گری براساس فرمول کوکران ۲۰۰ خانوار بوده است، که به صورت تصادفی ساده از بین روستاییان و مالکان خانه‌های دوم انتخاب شده‌اند. با مطالعه ابعاد و شاخص‌های متغیرهای تحقیق می‌توان بی به این برد که بیشترین مقدار رضایت از سبک معماری خانه‌های دوم در روستای تلوجال (۴/۰۶) و کمترین مقدار آن در روستای پی قلعه (۳/۴۲) می‌باشد و در مورد متغیر توسعه کالبدی سکونتگاه‌های روستایی، بیشترین مقدار این متغیر در روستای طایب کلا (۳/۰۹) است. همچنین شدت تأثیر متغیر سبک معماری خانه‌های دوم بر توسعه کالبدی سکونتگاه‌های روستایی حدود ۲۴ درصد برآورد شده است که بیانگر تأثیر پایین سبک معماری خانه‌های دوم در توسعه کالبدی سکونتگاه‌های روستایی منطقه می‌باشد. سبک معماری خانه‌های دوم، فقط در بعد بهبود خدمات زیربنایی باعث توسعه سکونتگاه‌های روستایی شده است.

واژه‌گان کلیدی: گردشگری خانه‌های دوم، سبک معماری، توسعه کالبدی، سکونتگاه‌های روستایی، شهرستان کلاردشت.

## مقدمه

از گردشگری به عنوان کاتالیزوری کارآمد برای بازسازی و توسعه اقتصادی، اجتماعی و کالبدی نواحی روستایی یاد شده است، به طوری که طی سال‌های اخیر در سراسر اروپا برای رفع چالش‌های اقتصادی و اجتماعی و کالبدی نواحی روستایی حاشیه‌ای و یا روستاهایی که با کاهش فعالیت‌های کشاورزی سنتی روبرو هستند، گردشگری در کانون توجه قرار گرفته است (Sharpley, 2002: 233). گردشگری روستایی با توجه به ظرفیت‌های طبیعی و فرهنگی موجود در روستاها، می‌تواند نقش مهمی در تجدید حیات روستاها ایفا نماید (ادبی، ۱۳۹۱: ۱۲؛ باتلر و همکاران، ۱۹۹۷: ۲۸). گردشگری روستایی انواع و اشکال گوناگونی دارد که اقامت در خانه‌های دوم رایج‌ترین شکل فعالیت در زمینه گردشگری روستایی است و به همین دلیل شکل گیری و گسترش خانه‌های دوم امروزه مهم‌ترین پیامد توسعه گردشگری در نواحی روستایی به شمار می‌آید (عنابستانی، ۱۳۸۹: ۲)

توسعه گردشگری خانه‌های دوم به عنوان نوعی از گردشگری در نواحی روستایی توانسته بر ابعاد گوناگون توسعه تأثیرگذار باشد. این اثرات و پیامدها را می‌توان در سه بعد کلیدی توسعه پایدار یعنی اقتصاد، اجتماع و محیط مورد بررسی قرار داد (علیقلی‌زاده و همکاران، ۱۳۸۹: ۳۶). شایع‌ترین اثر گردشگری که تمام دست‌اندرکاران گردشگری از برنامه‌ریزان گرفته تا سرمایه‌گذاران و مردم محلی برای دستیابی به آن تلاش می‌کنند، عامل اقتصادی و کسب سود بیشتر است که این عامل، به ایجاد آثار متفاوتی در وضعیت کالبدی منطقه منجر می‌شود (قدیری معصوم و همکاران، ۱۳۹۲: ۳۴). به طوری که یکی از مهم‌ترین پیامدهای گردشگری خانه‌های دوم، پیامدهای کالبدی است زیرا ایجاد این خانه‌ها خود جنبه کالبدی دارند و به صورت فیزیکی روستا را تحت تأثیر قرار می‌دهند و اصولاً منظره وجود آن‌ها در نواحی روستایی در اولین نگاه توجه انسان را به خود جلب می‌کند (رضوانی و دیگران، ۱۳۹۱: ۸). پیامدهای گردشگران خانه‌های دوم بر محیط میزبان طیفی از آثار مثبت تا منفی را در بر می‌گیرد؛ مثلاً ممکن است در ساخت خانه‌های دوم به هماهنگی و توازن آن‌ها با هویت کالبدی روستا توجه کافی مبذول نشود و به این ترتیب با برهم زدن زیبایی بصری و تخریب پوشش گیاهی به حس مکانی روستا آسیب وارد آید (Smith, 1992: 136) در نتیجه زیبایی محیط طبیعی کم می‌شود و به سبب طرح نامناسب یا موقعیت حساب نشده خانه دوم مهمترین معیار ارزیابی هویت کالبدی روستا، یعنی تمایز از غیر و تشابه با خود لطمه می‌بیند (دادورخانی و همکاران، ۱۳۹۲: ۲۷۷)، از آثار مثبت کالبدی گسترش خانه‌های دوم می‌تواند به الگو برداری ساکنان منجر شود، مقاوم سازی بافت سنتی و بازسازی این مسکن‌ها یا تبدیل آن‌ها به مسکن جدید است. با توجه به مطالعات صورت گرفته، می‌توان عنوان کرد که بررسی بر روی موضوع معماری خانه‌های دوم و تأثیر آن بر توسعه کالبدی روستاها از سوی جغرافیدانان، یک موضوع کاملاً جدید می‌باشد و سایر مطالعات صورت گرفته که در راستای این موضوع می‌گنجد به صورت پراکنده به آن پرداخته‌اند که به طور خلاصه بخشی از آثار داخلی و خارجی که در این رابطه کار کرده‌اند در ادامه آمده است:

علیقلی‌زاده و همکاران (۱۳۸۶) در بخش مرکزی شهرستان نوشهر، گلین مقدم (۱۳۸۸) در حوزه‌های جنگلی-کوهستانی شمال کشور در طی سال‌های ۸۵-۱۳۴۵، رمضانزاده لسبویی (۱۳۹۰) در دهستان دوهزار شهرستان تنکابن، فاضل نیا و دیگران (۱۳۹۰) در روستای برسهی تنکابن، فیروزنیا و دیگران (۱۳۹۰) در نواحی روستایی دهستان تارود شهرستان دماوند و حسینی مهر و شامور (۱۳۸۹) در دهستان حیران به بررسی اثرات محیطی گردشگری خانه‌های دوم پرداخته‌اند و جنبه‌های منفی گردشگری خانه‌های دوم در این زمینه از جمله، شدت تغییر کاربری اراضی کشاورزی، باغات و نواحی جنگلی برای ساخت و ساز خانه‌های دوم و آلودگی‌های زیست محیطی مانند رها کردن زباله‌ها اشاره کرده‌اند. البته در این پژوهش‌ها نتایج بدست آمده از دیدگاه جامعه میزبان مورد بررسی قرار گرفته است. مهدوی و همکاران (۱۳۸۷) در ناحیه کلاردشت، رحمانی و خدادادی (۱۳۹۰) در روستاهای بیلاقی جواهرده رامسر، عنابستانی و دیگران (۱۳۹۱) در سکونتگاه‌های روستایی دشت ارژن فارس و عنابستانی و صاحبکار (۱۳۹۲) دهستان شیرین دره شهرستان قوچان، در سنجش اثرات گردشگری

خانه‌های دوم بر ساختار اقتصادی، اجتماعی و کالبدی-زیست محیطی از دیدگاه جامعه روستایی و مالکان خانه‌های دوم پرداختند که در زمینه‌ی اقتصادی اثرات مثبت محدود، در زمینه‌ی اجتماعی اثرات مثبت قوی و در زمینه‌ی کالبدی-زیست محیطی، توسعه‌ی گردشگری روستایی به تخریب و نابودی گونه‌های مختلف زیستی و تغییرات نامناسبی در بافت و کالبد روستا در منطقه را موجب شده است.

ضیایی و صالحی نسب (۱۳۸۷) در منطقه‌ی رودبار قصران، عنابستانی (۱۳۸۸) در روستاهای بیلاقی شهر مشهد، آمار و برنجکار (۱۳۸۸) در نواحی روستایی شهرستان بندر انزلی بعد از انقلاب اسلامی، دادورخانی و لاریجانی (۱۳۹۱) در بخش بندپی شرقی شهرستان بابل و دادورخانی و همکاران (۱۳۹۲) در دهستان برغان شهرستان ساوجبلاغ به بررسی اثرات کالبدی خانه‌های دوم در نواحی روستایی مورد مطالعه پرداخته‌اند و به این نتایج رسیده‌اند که بیشتر خانه‌های دومی، مسکن بادوامی هستند که اغلب از نظر معماری زیباتر و متفاوت با مسکن قدیمی موجود در روستاست، اما در پی این موضوع باید به اثرات منفی آن‌ها از جمله ساخت و سازها به صورت سلیقه‌ای و بدون برنامه بوده و در نتیجه، به بروز ناهماهنگی در چهره و ساختار محیطی منجر شده است، هم اشاره کرد.

مالر و همکاران (۲۰۰۴) معتقدند که چشم‌اندازهای متفاوت خانه‌های دوم، بستگی به موقعیت محلی دارد. در برخی موارد این اثرات سودمند است برای نمونه ممکن است مسکن قدیمی در روستاها بازسازی شده و یا تبدیل به مسکن جدید شوند و زمینه زیباسازی روستاها را فراهم کند برخی موارد نیز آسیب زنده می‌باشد. وپسا و پیتکا (۲۰۱۰) نیز به این نتیجه دست یافته‌اند که فنلاند چشم‌انداز خانه دوم است. خانه‌های دوم تقلیدی از زندگی سنتی روستایی است و استفاده از محیط زیست براساس فعالیت‌های سنتی تفریحی است. و نتایج تحقیق فردریک رای (۲۰۱۱) نشان دهنده دید مثبت ساکنین نسبت به گسترش پدیده خانه‌های دوم وجود دارد، نتایج پژوهش نشان داد یک اقلیت قابل توجهی به گسترش خانه دوم دید منفی دارند. با این وجود، نرخ رشد بالا در ساخت خانه دوم بیانگر افزایش حمایت‌های مردم محلی از سرمایه‌گذاری‌ها در زمینه ساخت خانه‌های دوم است. نتایج تحقیقات فارستاد و فردریک (۲۰۱۳) نشان می‌دهد که چگونه هر دو مردم محلی و صاحبان خانه دوم محافظ روستای خود هستند و در همان زمان، به توسعه روستایی می‌اندیشند. با این وجود، هجوم صاحبان خانه دوم هنوز هم مؤثر بر علل درگیری در استفاده از زمین‌های موجود در روستا است. در واقع، تراکم یک منطقه روستایی با خانه دوم و در نتیجه تحولات تولید بیشتر همراه می‌باشد.

براساس آنچه که در مورد اثرات گردشگری بر مناطق مختلف ذکر شد می‌توان اثرات گردشگری را «نتایج به دست آمده از یک فرآیند پیچیده تغییر و مبادله بین گردشگران، سکونتگاه‌های میزبان و مقصدها را شامل می‌شود» (کندل و براون، ۲۰۰۶: ۲۸۰-۲۷۷؛ یون، ۲۰۰۲: ۱۴) تعریف کرد. انواع مختلف اثرات گردشگری بر مناطق روستایی را می‌توان در چند بعد اصلی اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، زیست محیطی و کالبدی خلاصه کرد. و باید عنوان کرد که در خصوص تأثیرخانه‌های دوم بر توسعه سکونتگاه‌های روستایی، بخصوص در نواحی روستایی کشور بررسی‌های چند صورت گرفته و به نتایج مطلوبی دست یافته‌اند و در پایان به ارائه راهکارهای مؤثر و کارآمدتر در راستای کنترل و کاهش و یا جلوگیری از اثرات و مشکلات و تنگناهای ناشی از آن‌ها در زمینه‌های اقتصادی، اجتماعی، کالبدی و زیست محیطی اقدام شده و نهایتاً توسعه اقتصادی، اجتماعی، کالبدی و زیست محیطی سکونتگاه‌های روستایی در نقاط مختلف کشور امکان‌پذیر کرده و با موفقیت‌های مؤثر و چشم‌گیری همراه بوده است.

در مورد خانه‌های دوم تعریف واحدی وجود ندارد؛ در فرهنگ جغرافیای انسانی در این مورد چنین آمده است: خانه‌های دوم خانه‌هایی است که بوسیله خانوارهای ساکن در نقاط دیگر خریداری و یا به مدت طولانی اجاره می‌شود. چنین خانه‌هایی معمولاً در نواحی روستایی قرار داشته و برای مقاصد تفریحی استفاده می‌شوند، دارای اسامی خانه‌های آخر هفته و خانه‌های تعطیلات نیز هستند (جانستون، ۱۹۸۸: ۴۲۳). خانه‌های دوم یا تعطیلات، مسکنی هستند که در نواحی مختلف از جمله نواحی روستایی توسط ساکنان شهرها معمولاً ساخته و یا خریداری می‌شود و در روزهای معینی مانند

روزهای تعطیلات و فصل تابستان عمدتاً با هدف فراغت و تفریح مورد استفاده قرار می‌گیرند (رضوانی، ۱۳۸۱: ۷۳-۵۹). به طور کلی پدیده خانه‌های دوم را می‌توان متأثر از عواملی دانست که سبب توسعه گردشگری روستایی می‌شوند. رشد و گسترش این پدیده در مناطق روستایی عمدتاً بعد از جنگ جهانی دوم و تحت تأثیر افزایش درآمد و توان مالی، لزوم بهره‌گیری از اوقات فراغت و تسهیل در جابجایی به دلیل بهبود شبکه حمل و نقل بوده است، سابقه شکل‌گیری این پدیده در ایران از قدمت بیشتری برخوردار بوده و مشخصاً به دوران قاجار باز می‌گردد و حتی برخی از روستاهای شمال کشور از گذشته‌های بسیار دور با این پدیده مانوس بوده‌اند (آمار، ۱۳۸۵: ۷۸-۶۵)، از طرف دیگر «روی آوری به برپایی و ساخت یک سکونتگاه دوم در نقاط روستایی را می‌توان به عنوان انگیزه‌هایی برای انجام سرمایه‌گذاری، عاملی برای ارضای نیاز و کسب حیثیت و وجهه اجتماعی و مکانی برای تدارک روزهای بازنشستگی دانست» (شاریه، ۱۳۷۲: ۲۳۵). تقاضای روز افزون گردشگران خانه دوم و رونق فعالیت‌های بورس بازی زمین و ویلا، در کنار ضعف بخش کشاورزی در فرآیند تولید، درآمدزایی و اشتغال‌زایی سبب عرضه سریع و گسترده اراضی زراعی، باغات از سوی جامعه محلی به تقاضای اغوا کننده و میلیونی گردشگران خانه دوم شده است (قدمی و همکاران، ۱۳۸۹: ۲۱). از طرف دیگر تنوع جغرافیایی باعث شده تا مطالعه اثرات این پدیده در قالب یک مدل مشترک کاری مشکل باشد. تغییر فرم، نقش و کارکرد روستاها از بدیهی‌ترین آثار این پدیده است (ماتیسون و وال، ۱۹۸۲: ۲۹).

مهم‌ترین اثرات مثبت کالبدی گردشگری خانه‌های دوم عبارت است از مقاوم‌سازی مسکن و زیباتر شدن سبک معماری خانه‌های مسکونی به طوری که بیشتر مسکن بادوام، خانه‌های دومی هستند که اغلب از نظر معماری زیباتر و متفاوت با مسکن قدیمی موجود در روستا، توسط گردشگران بومی و غیربومی طی سال‌های گذشته ساخته شده‌اند. اما گردشگری خانه‌های دوم، اثرات منفی نیز به دنبال داشته که مهم‌ترین آن‌ها عبارتند از تغییر کاربری اراضی و تخریب مراتع و باغات، افزایش تولید زباله و نبود برنامه‌ای برای جمع‌آوری زباله و پراکندگی در کنار جاده‌ها، مراتع و رودخانه‌ها، افزایش هزینه ساخت و ساز و عدم هماهنگی بین نوع مصالح و سبک معماری مسکن روستاییان با خانه‌های دوم، چراکه مصالح به کار رفته در خانه‌های سنتی روستاییان، معمولاً مواد موجود در ناحیه و از سنگ، گل و چوب، به صورت همگون و هماهنگ با محیط اطراف است اما خانه‌های دوم که در روستاها احداث می‌شوند از مصالح شهری و با تیپ کاملاً متفاوت از خانه‌های روستایی ساخته می‌شوند (دادورخانی و دیگری، ۱۳۹۱: ۱۷).

معماری، حاصل تفکر و روح بشر است. محتوای فکری و روحی انسان طراح و سازنده، در آن نمایان است. انسان روستایی، معماری را با آگاهی نسبت به محیط طبیعی، اجتماعی، فرهنگی و با بصیرت، نسبت به هستی و طبیعت طراحی می‌کند و می‌سازد (رضایی و همکاران، ۱۳۹۳: ۶۶). هماهنگی در اجزا و با طبیعت و محیط پیرامون، از رمزهای معماری روستایی، به شمار می‌آید. روستا چه در کویر باشد، چه در کوهستان و چه در جنگل؛ همواره با محیط خود، سازگار است. امکان ندارد، روستایی چیزی را بسازد که با بستر خود، متضاد باشد یا با طبیعت مکان و موقعیت خود مقابله کند. هماهنگی معماری روستا، منبعث از هماهنگی درونی طبیعت است. یکی از ارزش‌های معنوی طبیعت، واجد بودن آن از یک نظام هماهنگ است. این هماهنگی به صورت حیرت‌انگیزی همچون موسیقی بر همه‌ی عوالم طبیعت، حاکم است (نصر، ۱۳۸۵: ۱۵۴). سادگی از دیگر رمزهای معماری روستایی است. معماری روستا با خانه آغاز می‌شود و با خانه به آخر می‌رسد. معماری خانه‌ی روستایی، ساده و بسیار آرام است؛ اما در کمال بی‌پیرایگی، بسیار پیچیده است. «پیچیدگی معماری روستایی متظاهر نیست؛ بلکه آنچه که تظاهر می‌کند، سادگی و آرامش است. سادگی در چهره‌های گلین، همرنگ و فارغ از تضاد؛ اما چشم نواز است. سادگی معماری روستایی، بصری است؛ اما پیچیدگی آن بصیرتی است (اکرمی، ۱۳۸۹: ۲۷). این شیوه، «به گونه‌ای است که به راحتی خود را در شرایط ویژه محیطی، همساز می‌کند» (رکن‌الدین افتخاری و همکاران، ۱۳۹۱: ۸۷). این بناها در نگاه اول ساده و ابتدایی به نظر می‌رسند؛ ولی در واقع، توسط مردمی ساخته شده‌اند که همه هوش و ظرفیت شان را به کار گرفته و از تمامی روابط موجود بین خودشان، در ساختن آن‌ها استفاده کرده‌اند (تقوایی و همکاران، ۱۳۸۸: ۱۰۶). معماری روستایی

در ایران، به لحاظ ماهیت کارکردی و پاسخ‌گویی به نیازهای انسانی، فعالیت‌های مردمی، عناصر تولیدی و محیط زیست، مجموعه‌های همگن و متشکل با هویت کالبدی خاص را تشکیل می‌دهد که تجلی‌کننده ارتباطات و کارکردها و نقش چند عملکردی فضاهاست. «این هویت، از نفس سکونت و شیوه‌ی زیست در روستا نشأت می‌گیرد. به همین دلیل، مسکن در روستاها، علاوه بر پاسخ‌گویی به نیاز سکونت و تأمین امنیت و حریم خانوار، حلقه‌ای از نظام تولیدی روستا را نیز در برمی‌گیرد و به گونه‌ای متقابل با آن، پیوند می‌خورد. گونه‌های موجود مسکن روستایی مصادیق بارز این ویژگی محسوب می‌شوند» (سرتیپی پور، ۱۳۸۴: ۴۴).

روستاهایی که بیشترین تعامل را با شهرهای اطراف داشته‌اند و در فاصله کمتر و نزدیک به شهر قرار دارند، دچار تغییرات شدیدتری در فرم معماری و استفاده از مصالح ساختمانی شبیه به مسکن شهری هستند. یکی از این موارد که باعث تشدید این امر شده گسترش خانه‌های دوم روستایی با معماری شهری در روستاهاست. گسترش بی‌رویه خانه‌های ویلایی در نواحی روستایی و تعداد انبوه وسایل نقلیه در محورهای منتهی به این نواحی بیانگر روند افزایشی این پدیده است. در زمینه پیامدهای توسعه گردشگری خانه‌های دوم با تأکید بر سبک معماری خانه‌های دوم و ساخت و سازهای بر رویه، دخل و تصرف گسترده و کنترل نشده در محیط طبیعی را نشان می‌دهند. اقداماتی از قبیل استفاده از مصالح و الگوی معماری ناهمگون با محیط، برهم زدن و تخریب چشم‌انداز روستا و تغییر فضاهای معیشتی مسکن روستاییان از پیامدهای این الگوی گردشگری است که به خوبی در منطقه کلاردشت نیز مشهود است؛ خانه‌های دوم در روستاها بیشتر از مصالح شهری و با معماری کاملاً متفاوت از خانه‌های روستایی ساخته می‌شود، معماری خانه‌های روستایی با کارکردهای مختلف آن، از قبیل اتاق‌ها، انبار، محل خشک کردن محصولات باغی، کارگاه‌های صنایع دستی، کارگاه‌های تولیدی، آغل حیوانات و ... متناسب است. در حالی که خانه‌های دوم فقط کارکرد استراحتگاهی و تفریحی دارند. البته وجود خانه‌های دوم بر سبک معماری خانه‌های ساکنان نیز تأثیر گذاشته و موجب کاهش فضاهای معیشتی درون بافت خانه‌های ساکنان شده است.

منطقه کلاردشت نیز با دارا بودن جاذبه‌های طبیعی و انسانی خاص، همواره مورد توجه گردشگران قرار گرفته است. گسترش جریان‌های گردشگری در ناحیه، توأم با فقدان برنامه‌ریزی و مدیریت کارآمد اثرات مثبت و منفی اقتصادی، کالبدی و محیطی متفاوتی را در پی داشته است. به طوری که بافت کالبدی-سنتی روستاهای کلاردشت ضمن برخورداری از ارزش‌های معماری همانند سادگی و بی‌پیرایگی؛ دارای الگوهای بصری و زیبایی‌شناختی، منطبق با محیط طبیعی، هماهنگی با عملکرد زیستی و معیشتی، استفاده از مصالح بوم آورد و دانش بومی است. اما امروزه دیگر ما شاهد معماری بومی و سنتی در این منطقه نمی‌باشیم، در عوض ساختمان‌هایی با سازه فلزی یا بتنی، پوشش آجری و سقف‌های شیب‌دار با فرم‌هایی به اصطلاح هنرمندانه با پیروی کورکورانه از معماری بیگانگان و تفکیک فضاهای داخلی تنها به منظور پاسخ به نیازهای خانواده، جایگزین ویژگی‌های پیشین بناها گشته‌اند و همین نکات موجب از دست دادن هویت معماری بومی منطبق با محیط شده‌اند. هم‌اکنون نواحی روستایی این ناحیه با مسائلی نظیر: افزایش نابرابری در سبک مسکن روستایی، تخریب حریم منابع طبیعی نظیر جنگل، ضعف در امکانات زیربنایی-رفاهی و مانند آن روبرو گردیده است. باید بیان داشت تاکنون مطالعه‌ای در زمینه تأثیر معماری خانه‌های دوم بر توسعه کالبدی سکونتگاه‌های روستایی، به ویژه در منطقه شمالی کشور و کلاردشت که دارای معماری خاص منطقه‌ای و به لحاظ ساختاری سازگار با محیط که به "دردچی" معروف می‌باشد و در کل منطقه رایج بوده است، و نگارندگان می‌تواند مدعی خاص و متفاوت بودن تحقیقات خود در این زمینه باشند. براین اساس پژوهش حاضر با هدف بررسی و شناخت معماری خانه‌های دوم، به عنوان یک الگوی گردشگری روستایی که بر توسعه گردشگری روستایی و توسعه کالبدی سکونتگاه‌ها تأثیرگذار است؛ در پی پاسخ‌گویی به سؤال زیر می‌باشد: سبک معماری خانه‌های دوم به چه میزان بر توسعه کالبدی روستاهای شهرستان مورد مطالعه اثرگذار بوده است؟

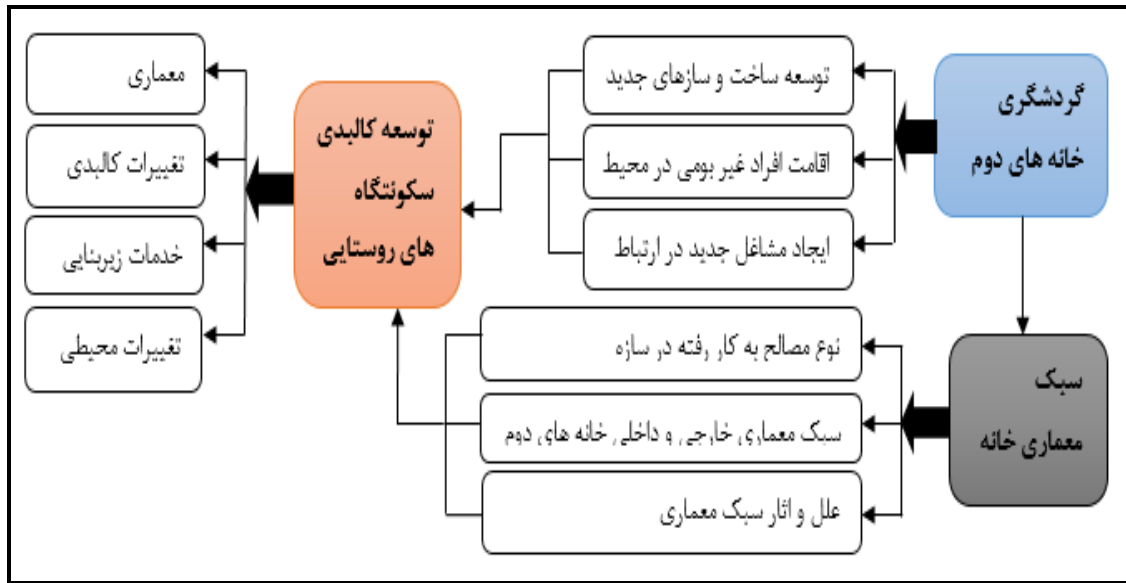
## روش پژوهش

روش تحقیق این مطالعه توصیفی - تحلیلی است. بخش اصلی داده‌های مورد استفاده از طریق مطالعات میدانی و با ابزار پرسش‌نامه و مصاحبه و بخش دیگر آن مانند چارچوب نظری - مفهومی پژوهش، اسناد و مدارک و سرشماری‌ها از طریق روش کتابخانه‌ای بدست آمده است. جامعه آماری در این پژوهش شامل روستاهایی می‌باشد که دارای بیش از ۴۵ درصد خانه‌های دوم بوده‌اند. که از کل ۱۹ روستای شهرستان، به روش نمونه‌گیری هدفمند تعداد ۹ روستا با توجه به تعداد خانه‌های دوم به عنوان نمونه انتخاب شدند. که تعداد ۳۴۹۳ نفر جمعیت روستایی در قالب ۱۱۲۱ خانوار در این روستاها سکونت داشته‌اند (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۰). و براساس برآورد حجم نمونه با فرمول کوکران، تعداد حجم نمونه جهت پرسش‌گری و تکمیل پرسش‌نامه‌ها از خانوارهای روستایی در محدوده مورد مطالعه ۱۹۵ خانوار بدست آمد و با توجه به حجم نمونه محدود در روستاهای مکارود، کردیچال، پی قلعه و طائب، حجم نمونه نهایی به ۲۰۰ خانوار روستایی در محدوده مورد مطالعه رسید که در قالب دو پرسش‌نامه جدا از ساکنان روستا (۱۰۰ پرسش‌نامه) و مالکان خانه‌های دوم (۱۰۰ پرسش‌نامه)، اطلاعات مورد نظر جمع‌آوری شده است. لازم به یادآوری می‌باشد که پرسش‌نامه مربوط به سبک معماری خانه‌های دوم تنها از ساکنین خانه‌های دوم مورد پرسش‌گری قرار گرفت. در مرحله بعد داده‌های جمع‌آوری شده، براساس اثرپذیری آن‌ها نسبت به توسعه کالبدی سکونتگاه‌های روستایی شهرستان کلاردشت، در محیط SPSS، استاندارد سازی و طبقه‌بندی شده و در مرحله بعد به کمک آزمون کولموگروف-اسمیرنوف نرمال بودن متغیرهای تحقیق مورد بررسی قرار گرفت سپس از آزمون ضریب همبستگی پیرسون برای بررسی رابطه متغیرها در روستاها استفاده گردید. همچنین به منظور بررسی اثرگذاری شاخص‌های سبک معماری خانه‌های دوم بر توسعه کالبدی از رگرسیون استفاده شد. جدول (۲)، تعداد خانوارهای نمونه به تفکیک روستاهای نمونه را نشان می‌دهد. برای پاسخ‌گویی به سؤال تحقیق، فرضیه زیر مطرح شده است: «سبک معماری خانه‌های دوم تأثیر قابل ملاحظه‌ای بر توسعه کالبدی روستاهای شهرستان مورد مطالعه داشته است.»

جدول ۲. وضعیت تقسیمات سیاسی شهرستان کلاردشت

شهرستان	بخش	دهستان	روستا	خانوار	جمعیت	حجم نمونه	تعدادخانه دوم
کلاردشت	مرکزی	کلاردشت شرقی	پی قلعه	۸۹	۲۶۴	۱۴	۸۴
			عثمان کلا	۲۴	۶۹	۱۰	۲۱
		کلاردشت غربی	کردیچال	۴۵۱	۱۴۴۷	۷۶	۱۵۴
			والت	۳۱	۸۲	۱۰	۳۹
	کلاردشت غربی	اویجدان	۹۱	۲۸۱	۱۶	۵۶	
		تلوچال	۴۸	۱۴۸	۱۰	۴۵	
		طایب کلا	۸۴	۲۵۶	۱۴	۷۱	
		لش سر	۵۷	۱۹۸	۱۰	۶۳	
			مکارود	۲۳۷	۷۴۸	۴۰	۱۴۷
			جمع		۱۱۱۲	۳۴۹۳	۲۰۰

منبع: مرکز آمار ایران، ۱۳۹۰



شکل ۱. مدل مفهومی پژوهش، شاخص‌های اثرگذار گردشگری بر بعد کالبدی

### – شاخص‌ها و متغیرهای تحقیق

متغیر سبک معماری خانه‌های دوم با کمک دو شاخص سبک معماری و نوع مصالح و متغیر توسعه کالبدی سکونتگاه‌های روستایی با کمک شاخص‌های معماری روستایی، تغییرات کالبدی، خدمات زیربنایی و تغییرات محیطی مورد اندازه‌گیری قرار گرفته‌اند و ابزار مورد مطالعه در این پژوهش، پرسش‌نامه محقق ساخته می‌باشد که برای سنجش میزان روایی و پایایی آن از ۳۰ پرسش‌نامه به عنوان یک مطالعه مقدماتی در ۴ روستا از منطقه مورد مطالعه استفاده شد. و پس از تجزیه و تحلیل اطلاعات، برخی از گویه‌هایی که اشکال داشتند حذف شدند و چند گویه دیگر نیز جایگزین شدند. جهت روایی پرسش‌نامه از نظر اساتید و متخصصین در این زمینه استفاده شده و از ضریب آلفای کرونباخ برای بدست آوردن میزان پایایی شاخص‌های تحقیق استفاده شده است. در اینجا ضریب پیش‌آزمون برای متغیر سبک معماری خانه‌های دوم برابر  $0/783$  و توسعه کالبدی سکونتگاه‌های روستایی برابر  $0/796$  بدست آمده است (جدول ۲).

## جدول ۲. نتایج بررسی روایی و پایایی شاخص‌ها و ابعاد متغیرها

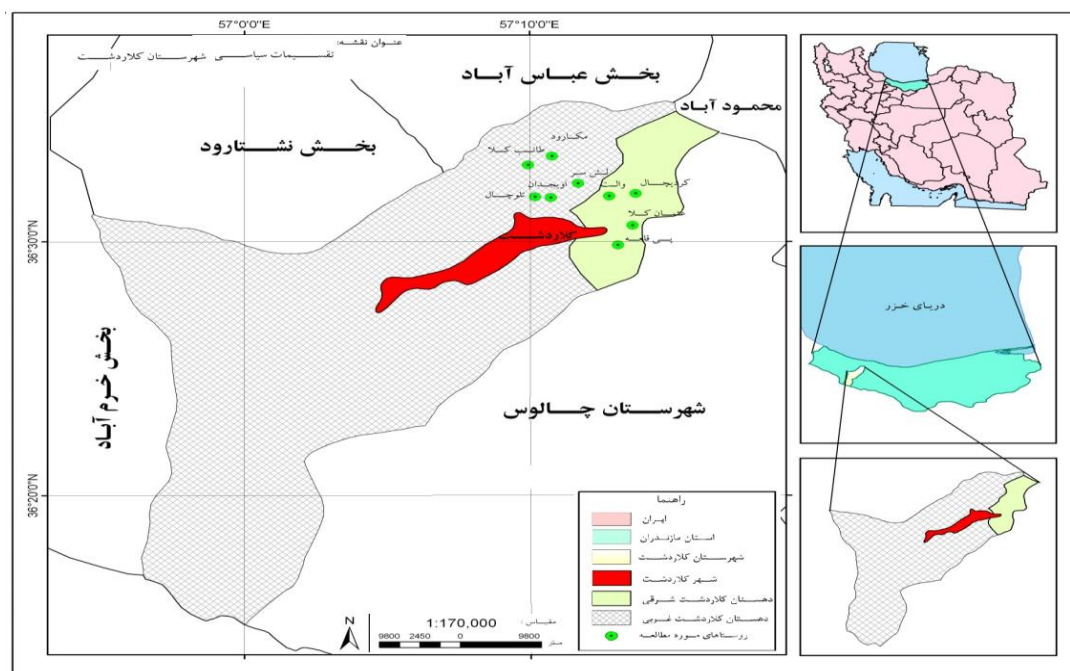
متغیر	شاخص	گویه‌ها	تعداد سوالات	آلفای کرونباخ
سبک معماری خانه‌های دوم	نوع مصالح	بررسی نوع مصالح بکار رفته در سقف واحد مسکونی، بررسی عایق بندی سقف واحد مسکونی، تغییر نوع مصالح به کار رفته در ساخت مسکن و میزان استحکام بنا	۱۵	۰/۷۷۱
	تیپ معماری	بررسی عمده‌ترین مصالح به کار رفته در نماهای واحد مسکونی، بررسی تاثیرپذیری رنگ نهایی جداره‌ها، تغییر پوشش سقف خانه‌ها و هماهنگ نبودن آن با آب و هوای منطقه، ساختن خانه‌های جدید توسط افراد محلی با ظاهر و نمای زیبا، تغییر در چشم‌انداز روستا و شهری شدن سکونتگاه‌ها، بررسی تاثیر نوع معماری خانه‌های دوم در جذب توریسم در منطقه مورد مطالعه، بررسی چگونگی طراحی و محاسبات واحد مسکونی توسط بخش‌های مسئول و مقدار زیربنا، نوع نقشه پراکندگی، توزیع و تراکم	۱۳	۰/۶۴۱
سبک معماری خانه‌های دوم				
توسعه کالبدی سکونتگاه‌های روستایی	معماری روستایی	بهبود کیفیت مسکن، ایجاد ساختمان‌ها با مصالح جدید و مقاوم، افزایش هزینه ساخت مسکن با مصالح معماری جدید، مقایسه کف‌سازی غالب معابر و عرض معابر در گذشته و سال‌های اخیر، استفاده از مصالح بادوام در ساخت و ساز، تغییر کاربری اراضی، تغییر نوع مصالح و سبک معماری، ایجاد سبک معماری زیبا در احداث بناهای مسکونی، تغییر و بهبود ساختمان‌ها و استفاده از مصالح بادوام، تشویق روستاییان به نوسازی خانه‌های خود، بهبود کیفیت مسکن بومی (مقاوم سازی خانه‌های دوم)، تغییر یا حذف مکان‌های معیشتی اهالی روستا، افزایش تعداد واحدهای مسکونی و تجاری، ناهمگونی و تضاد در بافت قدیمی روستا و بافت جدید خانه‌های دوم، تغییر در بافت سنتی مسکن ساکنان روستا	۷	۰/۵۷۶
	تغییرات کالبدی	افزایش ساخت و ساز، بهبود کیفیت مسکن، عدم هماهنگی بافت کالبدی روستاها، بررسی روند تغییر در کاربری اراضی در دهه‌های اخیر، بررسی روند گسترش بافت مسکونی در دهه‌های اخیر، بررسی روند تغییر نظام شکل‌گیری محلات، بررسی دفع آب‌های سطحی در روستا در گذشته و سال‌های اخیر، ساخت و ساز کنترل نشده و بی‌رویه در روستا، تغییر در تعداد واحدهای مسکونی و تجاری، عدم هماهنگی بافت کالبدی	۶	۰/۴۰۱
	خدمات زیربنایی	بهبود وضعیت جاده‌ها و خدمات روستایی، افزایش تراکم گردشگران خانه‌های دوم و گسترش راه‌های ارتباطی درون و بین روستاها و اتصال روستاها به هم، بررسی روند تغییر نظام محله بندی روستا، بهبود وضعیت خیابان، جاده و خدمات روستایی، بهبود خدمات بهداشتی، بهبود ارتباطات (پست و مخابرات و تلفن)، افزایش امکانات تفریحی برای ساکنان محلی، افزایش امکانات و خرید محلی (تعمیرگاه‌ها، مشاور املاک، قهوه خانه، نانوائی، خرده فروشی، جایگاه سوخت و...، امکانات اداری و مالی (بانک‌ها)، افزایش ساختمان‌های اداری، افزایش تاسیسات درمانی و آموزشی، افزایش استقرار امکانات رفاهی، افزایش امکانات بهداشتی، به سازی داخلی روستا و بهبود کیفیت زندگی در روستا	۱۵	۰/۷۸۴
	تغییرات محیطی	تخریب باغات، تخریب اراضی کشاورزی، ساخت خانه‌ها در حریم رودخانه‌ها و افزایش تولید زباله و فاضلاب-ها و تخریب چشم‌اندازها، دخل و تصرف مراتع و زمین‌های ملی، کاهش دسترسی ساکنان روستا به زمین‌های مسکونی، تخریب باغت و تبدیل آن‌ها به خانه‌های دوم، افزایش تقاضا برای خرید باغات و اراضی کشاورزی روستاییان به منظور ساخت خانه‌های دوم، ازدحام و شلوغی و در نهایت برهم زدن آرامش روستا، برهم زدن و تخریب چشم‌انداز روستا، پراکندگی بافت روستا، کاهش اراضی متروک و زمین‌های بی استفاده، افزایش قیمت اراضی، تشویق روستاییان به ساخت مسکن و اجاره‌ی آن، اتصال روستاها به یکدیگر، ساخته شدن خانه‌های ویلایی به اراضی متروک و بی استفاده، تغییر کاربری اراضی، تسطیح دامنه کوه‌ها، تخریب بافت با ارزش روستا، محدودیت دسترسی به سواحل رودخانه و محو شدن یا آسان مشاهده نکردن رودخانه	۱۲	۰/۸۶۴
	توسعه کالبدی سکونتگاه‌های روستایی			
۰/۷۹۶ ۴۰				

منبع: عنابستانی و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۰؛ عنابستانی و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۲؛ دادورخوئی و همکاران، ۱۳۹۱: ۶؛ دادورخوئی و همکاران، ۱۳۹۲: ۹.

## محدوده مورد مطالعه

منطقه مورد مطالعه بخش مرکزی شهرستان کلاردشت در استان مازندران می‌باشد. این شهرستان دارای مختصات جغرافیایی ۳۶ درجه و ۲۹ دقیقه عرض شمالی و ۵۱ درجه و ۶ دقیقه طول شرقی می‌باشد. کلاردشت منطقه‌ای کوهستانی در ۴۸ کیلومتری شهر چالوس است. ۱۷۰ کیلومتر با تهران فاصله دارد. با وسعتی در حدود ۱۵۰۹ کیلومتر مربع، در غرب استان مازندران واقع است و مرکز آن شهر حسنکیف در جنوب غربی شهرستان چالوس می‌باشد.





شکل ۲. موقعیت روستاهای نمونه در تقسیمات سیاسی شهرستان کلاردشت

## یافته‌ها و بحث

### - یافته‌های توصیفی

باتوجه به نظر سنجی انجام شده، ۶۱/۵ درصد از افراد جامعه مرد بوده اند و ۶۰/۳ درصد متاهل بوده‌اند. همچنین ۴۹/۲ درصد افراد جامعه بین ۲۰ تا ۳۵ سال و ۲۲/۶ درصد بین ۳۵ تا ۴۰ سال سن داشته‌اند. که تحصیلات ۳ درصد بی سواد، ۱۳/۵ درصد زیر دیپلم، ۲۶ درصد دیپلم و ۵۷/۵ درصد فوق دیپلم و بالاتر می‌باشد و ۲۰/۷ درصد از پاسخ‌گویان کارمند دولتی بوده‌اند.

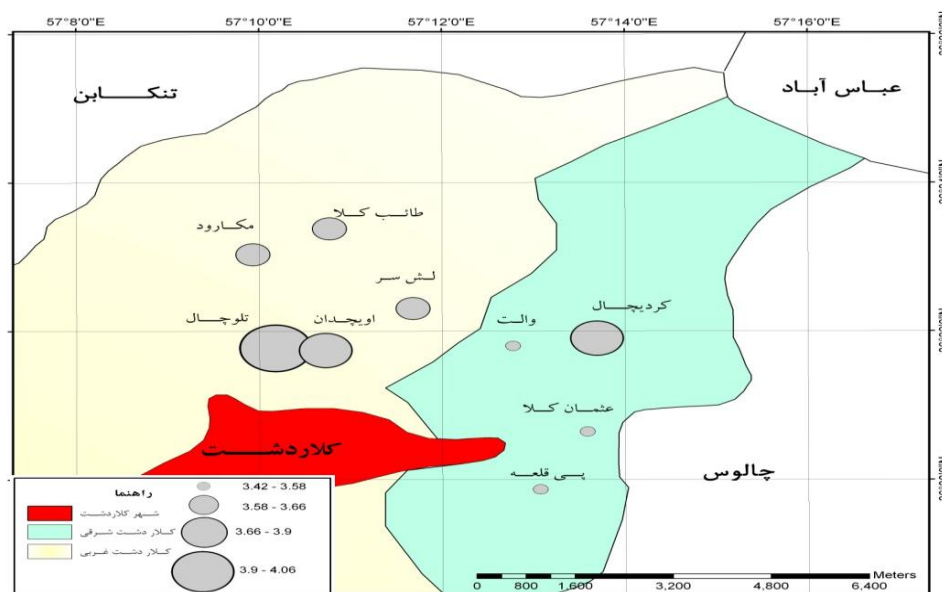
### - وضعیت سبک معماری خانه‌های دوم در روستاهای مورد مطالعه

برای بررسی و تحلیل سبک معماری گردشگری خانه‌های دوم از دیدگاه جامعه میزبان در سطح روستاهای مورد مطالعه از شاخص‌های نوع مصالح و سبک معماری استفاده شده است؛ که به تفکیک سؤال‌های هر شاخص مورد بررسی قرار می‌گیرد: الف) نوع مصالح: این شاخص شامل ۱۵ سؤال است که درصد اعتبار انتخاب گزینه‌های سؤال‌های در این شاخص مورد بررسی قرار گرفت. و به طور متوسط میانگین پاسخ جامعه به گویه‌های مربوط به شاخص نوع مصالح در کل برابر ۳/۸۵ می‌باشد که نشان می‌دهد درصد زیادی از پاسخ‌گویان، گزینه‌های بالای میانگین (۳ درصد) را انتخاب کرده‌اند. ب) تیپ معماری: این شاخص شامل ۱۳ سؤال است که درصد اعتبار انتخاب گزینه‌های سؤال‌های در این شاخص مورد بررسی قرار گرفت و به طور متوسط میانگین پاسخ جامعه به گویه‌های مربوط به شاخص سبک معماری در کل برابر ۳/۶ می‌باشد که نشان می‌دهد درصد زیادی از پاسخ‌گویان، گزینه‌های بالای میانگین (۳ درصد) را انتخاب کرده‌اند.

جدول ۳. توزیع فضایی و آمار توصیفی سبک معماری خانه‌های دوم و شاخص‌های آن به تفکیک روستاها

روستا	سبک معماری خانه‌های دوم	نوع مصالح	تیب معماری
اویجدان	۳/۸۳	۳/۷۱۶	۳/۹۴۲
پی قلعه	۳/۴۲	۳/۴۲۶	۳/۴۲۰
تلوچال	۴/۰۶	۴/۱۲۲	۳/۹۹۹
طایب کلا	۳/۶۱	۳/۷۹۰	۳/۴۳۳
عثمان کلا	۳/۴۸	۳/۶۴۱	۳/۳۱۳
کردیچال	۳/۸۸	۴/۱۱۷	۳/۶۳۵
لش سر	۳/۶۶	۳/۷۱۹	۳/۵۹۵
مکا رود	۳/۶۲	۳/۶۷۹	۳/۵۴۸
والت	۳/۴۶	۳/۴۴۴	۳/۴۷۸
کل	۳/۷۲۹	۳/۸۵۳	۳/۶۰۵
انحراف معیار	۰/۵۱۷	۰/۶۰۴	۰/۵۹۹
کمترین	۲/۵	۲/۳	۱/۲
بیشترین	۴/۷	۵/۰	۵/۰

براساس یافته‌های تحقیق، به طور متوسط میانگین پاسخ‌ها به گویه‌های مربوط به سبک معماری خانه‌های دوم در کل در سطح زیادی رضایت بخش بوده است (۳/۷۳ درصد). همچنین با بررسی میانگین کل مشاهده می‌شود که بیشترین تأثیر متعلق به نوع مصالح و سبک معماری کمترین تأثیر را دارا می‌باشد. با بررسی متغیر سبک معماری خانه‌های دوم مشاهده می‌شود که بیشترین تأثیر متعلق به کردیچال است و پی قلعه کمترین تأثیر را دارا می‌باشد. همچنین در متغیر نوع مصالح مشاهده می‌شود که بیشترین تأثیر متعلق به تلوچال و پی قلعه کمترین تأثیر را دارا می‌باشد. در نهایت با بررسی متغیر سبک معماری مشاهده می‌شود که بیشترین تأثیر متعلق به تلوچال است و عثمان کلا کمترین تأثیر را دارا است (جدول ۳).



شکل ۳. سبک معماری خانه‌های دوم در روستاهای مورد مطالعه

### - وضعیت توسعه کالبدی سکونتگاه‌های روستایی

برای بررسی وضعیت توسعه کالبدی سکونتگاه‌های روستایی از دیدگاه جامعه میزبان و میهمان در سطح روستاهای مورد مطالعه از شاخص‌های معماری روستایی، تغییرات کالبدی، خدمات زیربنایی و تغییرات محیطی استفاده شده است؛ که به تفکیک سؤال‌های هر شاخص مورد بررسی قرار می‌گیرد:

الف) شاخص معماری روستایی: این شاخص شامل ۷ گویه است که باتوجه به آنالیز آلفای کرونباخ در این شاخص باقی ماندند، و به طور متوسط میانگین پاسخ جامعه به گویه‌های مربوط به شاخص معماری روستایی در کل نشان می‌دهد که درصد زیادی از پاسخ‌گویان از این شاخص رضایت داشته‌اند. بیشترین تأثیر را ایجاد ساختمان‌های نو با مصالح جدید و مقاوم با ۳/۳۴ درصد و افزایش هزینه ساخت ساختمان‌های نو با مصالح جدید با ۲/۷۴ درصد کمترین تأثیر را دارا می‌باشد.

ب) شاخص تغییرات کالبدی: این شاخص شامل ۶ گویه است که باتوجه به آنالیز آلفای کرونباخ در این شاخص باقی ماندند، که به طور متوسط میانگین پاسخ آن‌ها به گویه‌های مربوط به شاخص تغییرات کالبدی در کل نشان می‌دهد که درصد زیادی از پاسخ‌گویان از این شاخص رضایت متوسطی داشته‌اند. بیشترین تأثیر را افزایش ساخت وساز با ۳/۳۵ درصد و بهبود وضعیت جاده‌ها و خدمات روستایی با ۲/۶۴ درصد کمترین تأثیر را دارا می‌باشد.

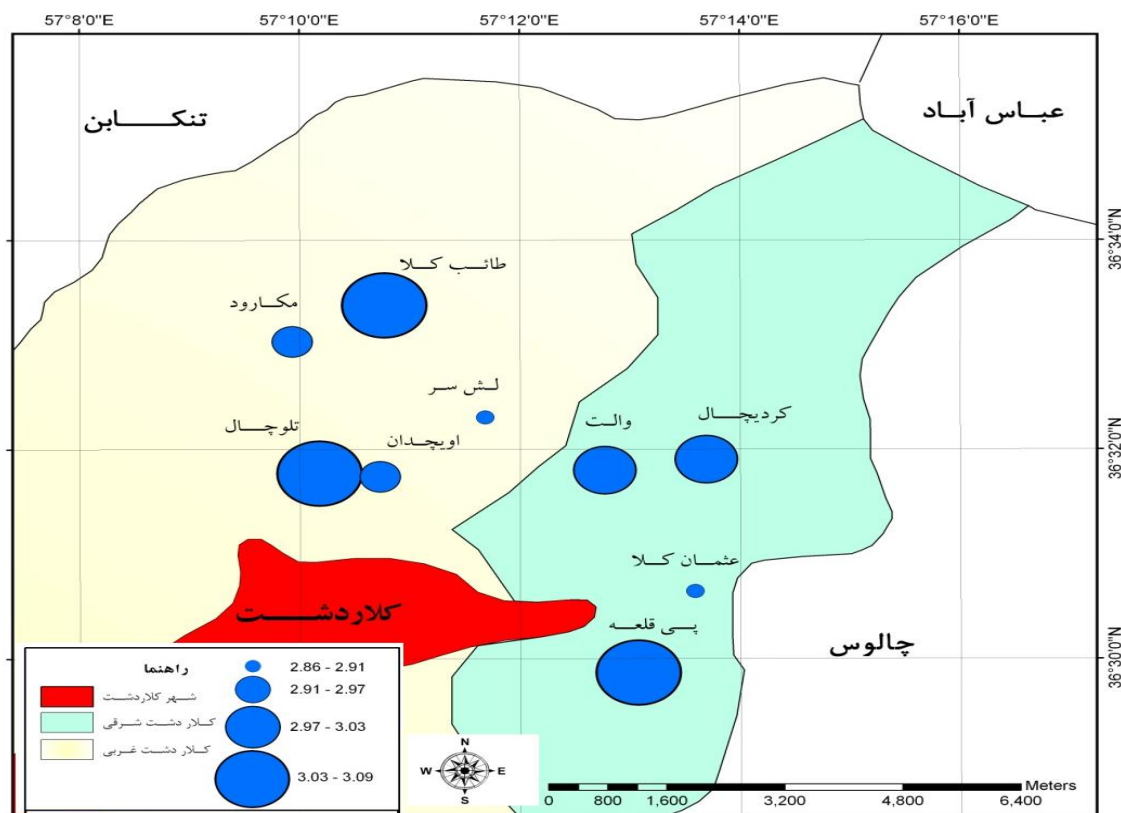
ج) شاخص خدمات زیربنایی: این شاخص شامل ۱۵ گویه است که باتوجه به آنالیز آلفای کرونباخ هیچ سوالی از این شاخص حذف نشد. درصد معتبر انتخاب گزینه‌های سؤال‌ها در این شاخص نیز بررسی شد که بیانگر این است که خدمات زیربنایی به طور متوسط تأثیر زیادی بر پاسخ‌گویان گذاشته است. گویه تأثیر گردشگری خانه‌های دوم در تغییر نظام محله بندی روستاها بیشترین تأثیر (۳/۱۲) درصد به طور میانگین و امکانات اداری و مالی (بانک‌ها) با (۲/۳۶) کمترین تأثیر را دارا می‌باشند. به نظر می‌رسد با توجه به ماهیت محیط به لحاظ گردشگرپذیر بودن، نیاز به بهبود فضای محله بندی نسبت به ایجاد بانک‌ها و مؤسسات بیشتر حس شده است و در جهت پاسخ‌گویی به نیاز گردشگران و انگیزه آن‌ها برای سفر پاسخ‌گو بوده است.

د) شاخص تغییرات محیطی: این شاخص شامل ۱۲ گویه است که با توجه به آنالیز آلفای کرونباخ هیچ سوالی از این شاخص حذف نشد. درصد معتبر انتخاب گزینه‌های سؤال‌ها در این شاخص بررسی شد و میانگین پاسخ افراد به گویه‌های مربوط به شاخص تغییرات محیطی در کل، درصد زیادی از پاسخ‌گویان از این شاخص رضایت داشته‌اند. بیشترین تأثیر را کاهش دسترسی روستاییان به زمین‌های مسکونی و افزایش قیمت زمین با ۳/۴۱ درصد و توپوگرافی با ۲/۴۹ درصد کمترین تأثیر را دارا می‌باشد.

یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که به طور متوسط میانگین پاسخ‌ها به گویه‌های مربوط به رواج گردشگری خانه‌های دوم روستایی در کل در سطح زیادی رضایت بخش بوده است. همچنین با بررسی میانگین کل مشاهده می‌شود که بیشترین تأثیر متعلق به معماری روستایی و توسعه کالبدی سکونتگاه‌های روستایی کمترین تأثیر را دارا می‌باشد. با بررسی متغیر توسعه کالبدی سکونتگاه‌های روستایی مشاهده می‌شود که بیشترین تأثیر متعلق به طایب کلا است و عثمان کلا کمترین تأثیر را دارا می‌باشد (جدول ۴).

جدول ۴. توزیع فضایی و آمار توصیفی توسعه کالبدی سکونتگاه‌های روستایی و شاخص‌های آن به تفکیک روستاها

تغییرات محیطی	خدمات زیربنایی	تغییرات کالبدی	معماری روستایی	توسعه کالبدی سکونتگاه‌های روستایی	روستا
۲/۹۸۵	۳/۷۲۹	۳/۰۶۶	۲/۹۳۰	۲/۹۳	اویجدان
۳/۲۵۵	۲/۷۰۶	۳/۲۵۰	۳/۰۹۶	۳/۰۸	پی قلعه
۲/۸۳۳	۲/۸۷۵	۳/۱۰۴	۳/۳۷۱	۳/۰۵	تلوچال
۲/۲۰۷	۲/۴۳۸	۳/۲۱۲	۳/۴۹۰	۳/۰۹	طایب کلا
۳/۱۷۳	۲/۶۸۲	۲/۶۷۸	۲/۹۱۴	۲/۸۶	عثمان کلا
۲/۹۵۵	۲/۷۷۶	۳/۰۳۳	۳/۲۱۶	۲/۹۹	کردیچال
۲/۸۰	۲/۶۸۵	۳/۰۷۰	۳/۰۴۰	۲/۸۹	لش سر
۳/۱۱۷	۲/۶۱۷	۲/۸۵۵	۳/۲۰۰	۲/۹۵	مکا رود
۳/۰۵۵	۲/۶۳۷	۳/۰۲۸	۳/۳۲۹	۳/۰۱	والت
۳/۰۱۵	۲/۷۰۱	۳/۰۳۰	۳/۱۹۰	۲/۹۸۳	کل
۰/۷۶۶	۰/۵۸۵	۰/۵۳۸	۰/۶۳۵	۰/۳۳۵	انحراف معیار
۱/۰	۱/۰	۱/۷	۱/۴	۱/۲	کمترین
۵/۰	۴/۵	۵/۰	۴/۷	۴/۰	بیشترین



شکل ۴. توسعه کالبدی سکونتگاه‌های روستایی در روستاهای مورد مطالعه

### – یافته‌های تحلیلی

به منظور مقایسه میانگین متغیر و شاخص‌های پژوهش در روستاهای نمونه، از آنالیز واریانس یک طرفه استفاده شده است، در این آزمون با توجه به نتیجه آزمون لوز، در مورد فرض برابری یا عدم برابری واریانس‌ها تصمیم‌گیری می‌شود، اگر فرض برابری واریانس‌ها برقرار بود، از آزمون F برای مقایسه میانگین‌ها استفاده می‌شود، در غیر این صورت از آزمون براون استفاده می‌شود. نتایج تحقیق مشخص می‌نماید که در رابطه با متغیرهای سبک معماری خانه‌های دوم و توسعه کالبدی سکونتگاه‌های روستایی تفاوت معنی‌داری بین روستاهای مورد مطالعه وجود ندارد و تنها در شاخص نوع مصالح از شاخص‌های متغیر سبک معماری خانه‌های دوم تفاوت معنی‌دار شده است، که به کمک آزمون هوشبرگ به بررسی میانگین این شاخص در روستاها پرداخته شده است (جدول ۵).

جدول ۵. نتیجه مقایسه میانگین شاخص‌های پژوهش در روستاهای نمونه

شاخص مورد بررسی	سطح معنی دار آزمون لوز	نتیجه	آزمون مناسب *	سطح معنی دار	نتیجه
معماری روستایی	۰/۰۵	برابری واریانس‌ها	۱/۲۶	۰/۲۷	عدم تفاوت معنی‌دار
تغییرات کالبدی	۰/۵۸	برابری واریانس‌ها	۱/۳۷	۰/۲۱	عدم تفاوت معنی‌دار
خدمات زیربنایی	۰/۲۲	برابری واریانس‌ها	۰/۷۴	۰/۶۶	عدم تفاوت معنی‌دار
تغییرات محیطی	۰/۰۴	عدم برابری واریانس‌ها	۱/۰۹	۰/۳۸	عدم تفاوت معنی‌دار
توسعه کالبدی	۰/۰۶	برابری واریانس	۰/۷۲	۰/۶۷	عدم تفاوت معنی‌دار
نوع مصالح	۰/۰۹	برابری واریانس‌ها	۲/۳۱	۰/۰۳	وجود تفاوت معنی‌دار
سبک معماری	۰/۴۶	برابری واریانس‌ها	۰/۹۵	۰/۴۸	عدم تفاوت معنی‌دار
سبک معماری خانه‌های دوم	۰/۰۲	عدم برابری واریانس	۱/۳۳	۰/۲۶	عدم تفاوت معنی‌دار

\*در صورت برابری واریانس‌های گروه‌ها از آزمون f استفاده شد، در غیر این صورت از آزمون ولچ استفاده گردید.

جدول ۶. مقایسه میانگین متغیر نوع مصالح در روستاهای نمونه با استفاده از روش هوشبرگ

روستا	پی قلعه	والث	عثمان کلا	مکارود	اویچدان	لش سر	طایب کلا	کردیچال	تلوچال	Sig.
تعداد	۷	۵	۵	۲۰	۸	۵	۷	۳۸	۵	
گروه ۱	۳/۴۳	۳/۴۴	۳/۶۴	۳/۷۰	۳/۷۲	۳/۷۲	۳/۷۹	۴/۱۲	۴/۱۲	۰/۵۸

براساس نتایج به دست آمده مشاهده می‌شود که براساس آزمون هوشبرگ در متغیر نوع مصالح در روستاها تفاوت معنی‌داری مشاهده نمی‌شود. لذا به منظور مقایسه تفاوت میانگین شاخص نوع مصالح در روستاها از آزمون LSD استفاده شد، که به علت حجم بالای آزمون تنها نتایج آزمون ارائه می‌شود. بر این اساس مشخص شد که روستای پی قلعه با روستاهای کردیچال و تلوچال، روستای تلوچال با روستای پی قلعه، روستای مکارود با روستای کردیچال و سرانجام روستای الوث با روستای کردیچال تفاوت معنی‌داری داشته است.

به منظور بررسی رابطه سبک معماری خانه‌های دوم و توسعه کالبدی ابتدا نرمال بودن متغیرها به کمک آزمون کولموگروف- اسمیرنوف بررسی شده که سطح معنی‌دار این آزمون برای متغیرهای تحقیق به تفکیک روستاهای نمونه

در تمامی موارد بیشتر از ۰/۰۵ بوده است، بنابراین می‌توان از آزمون ضریب همبستگی پیرسون برای بررسی رابطه متغیرها در روستاها استفاده نمود (جدول ۷).

#### جدول ۷. نتایج آزمون همبستگی پیرسون بین ابعاد توسعه کالبدی سکونتگاه روستایی با سبک معماری خانه‌های دوم

نتیجه آزمون	سطح معنی دار	ضریب همبستگی	متغیر مورد بررسی
رابطه معنی‌دار با سبک معماری وجود ندارد	۰/۲۰۶	۰/۱۲۸	معماری روستایی
رابطه معنی‌دار با سبک معماری وجود ندارد	۰/۶۱۹	-۰/۰۵	تغییرات کالبدی
رابطه معنی‌دار با سبک معماری وجود دارد	۰/۰۳۲	۰/۲۱۵	خدمات زیربنایی
رابطه معنی‌دار با سبک معماری وجود ندارد	۰/۲۳۴	۰/۱۲۱	تغییرات محیطی
رابطه معنی‌دار با سبک معماری وجود ندارد	۰/۰۵۸	۰/۱۹	توسعه کالبدی سکونتگاه‌های روستایی

با توجه به نتایج به دست آمده مشاهده می‌شود که بررسی رابطه شاخص‌های توسعه کالبدی سکونتگاه‌های روستایی با سبک معماری خانه‌های دوم، به غیر از شاخص خدمات زیربنایی که دارای رابطه مستقیم و معنی‌دار با شدت ۰/۲۱۵ است، بقیه شاخص‌ها رابطه معنی‌داری با سبک معماری ندارند. در ادامه پژوهش برای تعیین سهم نسبی ابعاد متغیر مستقل (سبک معماری خانه‌های دوم) در متغیر وابسته از روش رگرسیون گام به گام استفاده شده است. در این روش متغیری که بیشترین تأثیر را بر متغیر وابسته دارد، ابتدا وارد مدل می‌شود و متغیرهای دیگر دوباره برای ورود به مدل مورد بررسی قرار می‌گیرند. پس از بررسی فرضیات زیر بنایی رگرسیون و اعتبار آن‌ها، داده پرتی تشخیص داده نشد لذا رگرسیون با تمام داده‌ها انجام شد و نتایج به صورت زیر به دست آمد (جدول ۸).

#### جدول ۸. نتایج رگرسیون متغیر وابسته توسعه کالبدی سکونتگاه‌های روستایی و ابعاد سبک معماری خانه‌های دوم

گام	R	ضریب تعیین	آماره دوربین - واتسن	آماره F	سطح معنی دار	نتیجه
۱	۰/۲۳۵	۰/۰۵۵	۱/۷۳۵	۵/۷۰۷	۰/۰۱۹	مدل معنی‌دار است

با توجه به نتیجه به دست آمده مشاهده می‌شود که سطح معنی‌دار مدل در گام اول و دوم کمتر از ۰/۰۵ بوده و لذا مدل معنی‌دار می‌باشد، بنا به ضریب تعیین می‌توان گفت که متغیرهای مستقل در مدل ۵/۵ درصد از تغییرات متغیر وابسته (توسعه کالبدی سکونتگاه‌های روستایی) را تبیین می‌کنند.

#### جدول ۹. اثرگذاری شاخص‌های سبک معماری خانه‌های دوم بر توسعه کالبدی

##### سکونتگاه‌های روستایی بر پایه رگرسیون گام به گام

گام	متغیرهای مدل	ضریب متغیر	ضریب بتا	آماره t	سطح معنی‌دار	نتیجه
۱	عرض از مبدا	۲/۴۸	-	۱۱/۶۸	۰/۰۰	در مدل معنی‌دار است
	تیپ معماری	۱۳۹۰/	۰/۲۴	۲/۳۹	۰/۰۲	در مدل معنی‌دار است
۲	نوع مصالح	-۰/۰۲۶	-	-۰/۲۲۸	۰/۸۲	در مدل معنی‌دار نیست

بر اساس مدل رگرسیون چند متغیره گام به گام، شدت تأثیر متغیر سبک معماری خانه‌های دوم بر توسعه کالبدی سکونتگاه‌های روستایی حدود ۲۴ درصد برآورد شده است که بیانگر تأثیر کم سبک معماری خانه‌های دوم بر توسعه کالبدی در سطح منطقه می‌باشد. با توجه به آزمون رگرسیون گام به گام در مرحله دوم نتایج متغیرهای وارد شده در رگرسیون نشان می‌دهد ضریب متغیر سبک معماری برابر ۰/۱۳۹+ است. تأثیرگذارترین متغیر یعنی تیپ معماری وارد مدل شده است و پس از آن روند متوقف شده است، یعنی متغیر نوع مصالح در مدل معنی‌دار نبوده و وارد نمی‌شود. در نهایت مدل به دست آمده به صورت زیر می‌باشد:

سبک معماری\* ۰/۱۳۹+ + ۲/۴۷۹ = توسعه کالبدی سکونتگاه‌های روستایی

## نتیجه‌گیری

گسترش بی‌رویه خانه‌های ویلایی در نواحی روستایی و تعداد انبوه وسایل نقلیه در محورهای منتهی به این نواحی بیانگر روند افزایشی این پدیده در منطقه مورد مطالعه (شهرستان کلاردشت) است. توسعه گردشگری خانه‌های دوم در نواحی روستایی، با وجود انواع مشکلات کالبدی فیزیکی، مانند تغییر و تخریب اراضی کشاورزی و برهم زدن چشم‌انداز روستا و تغییر کاربری اراضی، آثار مثبتی همچون بهبود شبکه‌های ارتباطی و افزایش ارتباطات بین مکانی، بهبود تأسیسات و تجهیزات روستا، نوسازی ساختمان‌ها و بهبود کالبد روستا را به دنبال داشته است. ساخت و ساز خانه‌های دوم با هدف گردشگری در منطقه در سطح بالایی از توسعه قرار دارد؛ به طوری که در مجموع بیش از ۵۰ درصد خانه‌های روستاهای ناحیه مورد مطالعه، را خانه‌های دوم تشکیل می‌دهند. همچنین در مجموع تعداد ۶۸۰ خانه دوم در حال حاضر در منطقه استفاده می‌شود. در زمینه پیامدهای توسعه گردشگری خانه‌های دوم با تأکید بر سبک معماری خانه‌های دوم و ساخت و سازهای بر رویه، دخل و تصرف گسترده و کنترل نشده در محیط طبیعی را نشان می‌دهند. اقداماتی از قبیل تبدیل باغ‌های مثمر به ساختمان‌های ویلایی، تغییر در بافت سنتی مسکن ساکنان، کاهش دسترسی ساکنان به زمین‌های مسکونی، استفاده از مصالح و الگوی معماری ناهمگون با محیط، برهم زدن و تخریب چشم‌انداز روستا، و تغییر فضاهای معیشتی مسکن روستاییان از پیامدهای این الگوی گردشگری است که به خوبی در منطقه مشهود است؛ خانه‌های دوم در روستاها بیشتر از مصالح شهری و با معماری کاملاً متفاوت از خانه‌های روستایی ساخته می‌شود، معماری خانه‌های روستایی با کارکردهای مختلف آن، از قبیل اتاق‌ها، انبار، محل خشک کردن محصولات باغی، کارگاه‌های صنایع دستی، کارگاه‌های تولیدی، آغل حیوانات و... متناسب است. در حالی که خانه‌های دوم فقط کارکرد استراحتگاهی و تفریحی دارند. البته وجود خانه‌های دوم بر سبک معماری خانه‌های ساکنان نیز تأثیر گذاشته و موجب کاهش فضاهای معیشتی درون بافت خانه‌های ساکنان شده است. این امر ساختارهای نامتناسب با کارکرد روستا را به وجود می‌آورد. با توجه به شواهد موجود، باید توجه داشت آثار مثبت گردشگری خانه‌های دوم بر جامعه میزبان به خودی خود به وقوع نخواهد پیوست. برای تحقق آن باید گردشگری خانه‌های دوم به شیوه صحیح برنامه‌ریزی و مدیریت شود. نتایج پژوهش حاضر نیز تایید کننده این مطالب می‌باشد.

در پژوهش حاضر شدت تأثیر متغیر سبک معماری خانه‌های دوم بر توسعه کالبدی سکونتگاه‌های روستایی حدود ۲۴ درصد برآورد شده است که بیانگر تأثیر پایین سبک معماری خانه‌های دوم در سطح منطقه می‌باشد. همچنین با مطالعه ابعاد و شاخص‌های متغیرهای تحقیق می‌توان پی برد که بنا بر اظهار ساکنین، روستای پی قلعه (۳/۴۲) دارای کمترین و روستای تلوچال (۴/۰۶) بیشترین مقدار مشاهده شده است. در همین رابطه باید عنوان کرد که تاکنون تحقیقاتی در رابطه با تأثیر سبک معماری خانه‌های دوم بر توسعه کالبدی سکونتگاه‌های روستایی انجام نشده و از این نظر پژوهش حاضر

متفاوت با تحقیقات انجام شده در زمینه گردشگری خانه‌های دوم می‌باشد. با توجه به نتایج همبستگی بین شاخص‌ها مشاهده می‌شود که در بررسی رابطه شاخص‌های توسعه کالبدی سکونتگاه‌های روستایی با سبک معماری خانه‌های دوم، به غیر از شاخص خدمات زیربنایی که در ضریب همبستگی دارای رابطه مستقیم و معنی دار با شدت ۰/۲۱۵ است، بقیه شاخص‌ها رابطه معنی‌داری با سبک معماری ندارند؛ و بنا به ضریب تعیین می‌توان گفت که متغیرهای مستقل یعنی شاخص خدمات زیربنایی در مدل ۵/۵ درصد از تغییرات متغیر وابسته را تبیین می‌کنند. یعنی بین ابعاد توسعه کالبدی با سبک معماری خانه‌های دوم در کل ارتباط معنی‌داری از لحاظ آماری به غیر از شاخص خدمات زیربنایی وجود ندارد. جهت این ارتباط فقط در بعد خدمات زیربنایی مثبت است، به این مفهوم که معماری خانه‌های دوم، به غیر از تأثیرگذاری بر خدمات زیربنایی در توسعه سکونتگاه‌های روستایی از نظر کالبدی تأثیرگذار نمی‌باشند. در نهایت براساس مدل رگرسیون چند متغیر گام به گام، شدت تأثیر متغیر سبک معماری خانه‌های دوم بر توسعه کالبدی سکونتگاه‌های روستایی حدود ۲۴ درصد برآورد شده است که بیانگر تأثیر کم سبک معماری خانه‌های دوم بر توسعه کالبدی در سطح منطقه می‌باشد. براساس نتایج به دست آمده می‌توان پذیرفت که: رواج سبک معماری خانه‌های دوم در منطقه مورد مطالعه، زمینه ساز توسعه کالبدی سکونتگاه‌های روستایی نشده است، و فرضیه تحقیق رد شده است.

با توجه به نتایج تحقیق پیشنهادات زیر می‌تواند برای بهبود وضعیت سکونتگاه‌های روستایی راهگشا باشد:

- با توجه به این که شوراها و دهیاران در مدیریت روستایی دارای نقش مهمی می‌باشند، با اعطای امتیازات بیشتر به آنان در زمینه حفاظت از منابع روستا می‌توان از تغییرات بی‌رویه و آسیب به منابع حیاتی در روستاها جلوگیری کرد.
- برخی راهکارهای قانونی و مدیریتی را می‌توان برای رفع مشکلات منطقه ارایه داد از جمله:
- برنامه‌ریزی و نظارت بر ساخت مسکن روستایی با مشارکت نهادهای دولتی و مردمی.
- برنامه‌ریزی و نظارت بر کاربری اراضی با مشارکت مردم محلی.
- تشویق افرادی که از ساخت و سازهای سنتی برای خانه‌های دوم استفاده می‌کنند.
- قراردادن مجازات‌های قانونی برای کسانی که با ساخت خانه‌های دوم به شکل مدرن چشم‌اندازهای سنتی روستاها را به هم می‌زنند.

- استفاده از مصالح بومی سازگار با اقلیم؛ استفاده از مصالح بومی سازگار با اقلیم در هر منطقه نه فقط تأکید بر کاهش هزینه‌های حمل و نقل و صرفه‌جویی در مصرف انرژی دارد، بلکه کاملاً با محیط اقلیمی خود سازگار بوده و در مقابل عوامل محیطی انعطاف پذیر است. به طوری که انعطاف پذیری هر یک از این مصالح در مقابل کنش و واکنش‌های اقلیمی منطقه پاسخ‌های مناسب را در بر داشته است.

- استفاده مناسب از آب و گیاهان: استفاده مناسب از آب و گیاهان در کنار هم به منظور ایجاد محیطی مطبوع و هوا و منظر مناسب از مهم‌ترین اصول معماری ایرانی است. کاشت گیاهان مناسب با اقلیم منطقه و کاشت انواع درختان همیشه سبز و درختان خزان پذیر با توجه به التزام سایه یا نور خورشید در فصول مختلف و ایجاد تنوع و رنگ در فضا، هوشمندی گذشتگان در استفاده از گیاهان را به اثبات می‌رساند.

- مهم‌ترین نکته در معماری جدید، استفاده بیش از حد از انرژی‌های غیرقابل تجدید (فسیلی) است که علت اصلی آن به کارگیری مصالح نامناسب و حمل و نقل آن‌ها و طراحی اشتباه بنا با بکارگیری وسایل گرم کننده و خنک کننده با توجه به شرایط اقلیمی می‌باشد. از این رو با استفاده صحیح از مصالح بومی و تلفیق آن‌ها با شرایط جدید ساخت و ساز می‌توان از انرژی‌های قابل تجدید هم چون انرژی خورشید و باد جهت سرمایش گرمایش و تهویه ساختمان حداکثر استفاده را برد تا با بهره‌گیری از فن‌آوری‌های جدید بتوان معماری مدرن هم‌خوان با شرایط اقلیمی هر منطقه را ایجاد نمود.



- احیای فرهنگ و معماری بومی منطقه: زمینه‌سازی برای احراز هویت و فراهم کردن امکان حفظ و نگهداری بافت‌ها و آثار ارزشمند معماری روستایی منطقه کلاردشت، که ظهور عینی فرهنگ بومی این کشور هستند، برای انتقال ارزش‌های فرهنگی به نسل‌های آینده، یکی از ضرورت‌های مهم طرح‌های بهسازی به شمار می‌رود

- می‌توان با استفاده صحیح از اصول معماری و عوامل تشکیل دهنده آن، مصالح بومی، هم چون چوب و پیش ساخته نمودن و اجرا دقیق آن در بنا و اتصالات بهتر، عمر این ساختمان‌ها را افزایش داده تا از این طریق اجرای آن آسان‌تر و سریع‌تر صورت گیرد و دیگر به هزینه کمتری به منظور ساخت و تعمیر و نگهداری بنا نیاز باشد. تمامی این عوامل می‌تواند در پایداری محیط و همچنین ایجاد ساخت و ساز پایدار مؤثرافتد.

- پیشنهاد می‌شود در بخش معماری سنتی منطقه و برای حفظ آن، با الگو قرار دادن روستاهای تیبیک مانند ایبانه و ماسوله، ضمن استفاده از مصالح مقاوم در پی و اسکلت ساختمان، در بخش نمای ظاهر از مصالح بوم آورد و یا حتی المقدور از مصالح مشابه که به حیث ظاهر مانند مصالح بوم آورد هستند استفاده شود.

## منابع

۱. افتخاری رکن الدین، عبدالرضا؛ حاجی‌پور، مجتبی؛ فتاحی، احدالله و پایدار کل سنگ، ابوذر؛ ۱۳۹۱، **بررسی میزان انطباق ساخت و سازهای جدید در نواحی روستایی**، فصلنامه مسکن و محیط روستا، دوره ۳۱، شماره ۱۳۹، صص ۸۵-۹۸.
۲. الوانی، سید مهدی، ۱۳۷۲، **ساز و کارهای لازم برای توسعه پایدار جهانگردی**، خلاصه مقالات برگزیده دومین اجلاس جهانگردی (فرهنگ و توسعه)، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۳. آمار، تیمور؛ ۱۳۸۵، **بررسی و تحلیل گسترش خانه‌های دوم در نواحی روستایی (مطالعه موردی: بخش خورگام شهرستان رودبار)**، فصلنامه چشم‌انداز جغرافیایی، سال اول، شماره ۱، صص ۶۵-۷۸.
۴. آمار، تیمور و برنجکار، افسانه؛ ۱۳۸۸، **تحلیل جغرافیایی گسترش خانه‌های دوم در نواحی روستایی شهرستان بندر انزلی بعد از انقلاب اسلامی**، فصلنامه چشم‌انداز جغرافیایی، سال چهارم، شماره ۹، صص ۲۱-۷.
۵. آمار، تیمور؛ ۱۳۹۱، **آسیب شناسی توسعه گردشگری در سکونتگاه‌های روستایی استان گیلان با رویکرد عدالت مکانی - فضایی (مطالعه موردی: دهستان دیلمان، شهرستان سیاهکل)**، همایش ملی توسعه روستایی استان گیلان، استانداری گیلان.
۶. تقوایی، علی اکبر؛ بهرام‌پور و مهدی‌راد، مهنوش؛ ۱۳۸۸، **بازسازی مسکن روستایی پس از سانحه**، فصلنامه آرمانشهر، دوره ۲، شماره ۲، صص ۱۱۲-۱۰۵.
۷. حسنی مهر، سیده صدیقه و رضوانی، حمید؛ ۱۳۸۹، **پیامدهای توسعه گردشگری دهستان حیران با تأکید بر تغییر کاربری اراضی**، فصلنامه پژوهشی جغرافیای انسانی، سال سوم، شماره اول، صص ۱۹۲-۱۷۷.
۸. حسین‌زاده دلیر، کریم و حیدری، رحیم؛ ۱۳۸۲، **توریسم در ایران، چالش‌ها و امیدها**، مجله جغرافیا و توسعه ناحیه‌ای، سال اول، شماره ۱، صص ۴۹-۲۳.
۹. خیاطی، مهدی؛ ۱۳۸۲، **توریسم روستایی و تاثیر آن بر جوامع روستایی (مطالعه موردی تایلد)**، نشریه جهاد، شماره ۲۵۷، ص ۲۸.
۱۰. دادورخانی، فضیله؛ زمانی، حمید؛ قدیری معصوم، مجتبی و عاشری، اسمعیل؛ ۱۳۹۲، **نقش گردشگری خانه‌های دوم در تغییرات کالبدی - فیزیکی نواحی روستایی (مطالعه موردی دهستان بزغان شهرستان ساوجبلاغ)**، فصلنامه پژوهش‌های روستایی، دوره ۴، شماره ۲، صص ۲۹۹-۲۷۷.

۱۱. دادورخانی؛ فضیله و محمدزاده لاریجانی؛ فاطمه؛ ۱۳۹۱، تحلیل تطبیقی نظرات سه‌م بران در خصوص اثرات گردشگری خانه‌های دوم بر جنبه‌های کالبدی-فیزیکی مناطق روستایی (مطالعه موردی: روستاهای ییلاقی بخش بندپی شرقی شهرستان بابل)، فصلنامه مسکن و محیط روستا، دوره ۳۱، شماره ۱۴۰، صص ۱۰۰-۸۳.
۱۲. رحمانی، بیژن و خدادادی، پروین؛ ۱۳۹۱، ارزیابی پیامدهای گسترش خانه‌های دوم گردشگری بر ساختار روستاها (مطالعه موردی: روستاهای ییلاقی جواهرده رامسر)، فصلنامه جغرافیایی فضای گردشگری، دوره اول، شماره ۳، صص ۴۸-۲۱.
۱۳. رضایی، مسعود؛ وثیق، بهزاد و مرادی، ابراهیم؛ ۱۳۹۳؛ جایگاه الگوهای معماری پایدار در معماری بومی روستایی (مطالعه موردی: روستای هلسم)، فصلنامه فرهنگ ایلام، شماره ۴۴ و ۴۵، صص ۷۷-۵۸.
۱۴. رضوانی، محمدرضا و صفائی، جواد؛ ۱۳۸۴، گردشگری خانه‌های دوم و اثرات آن بر نواحی روستایی؛ فرصت یا تهدید، فصلنامه پژوهش‌های جغرافیایی، شماره ۵۴، صص ۱۲۱-۱۰۹.
۱۵. رضوانی، محمدرضا؛ ۱۳۸۱، تحلیل روند ایجاد و گسترش خانه‌های دوم در نواحی روستایی، فصلنامه پژوهش‌های جغرافیایی، شماره ۴۵، صص ۷۳-۵۹.
۱۶. رضوانی، محمدرضا؛ اکبریان رونیزی، سعیدرضا؛ رکن‌الدین افتخاری، عبدالرضا و بدری، سیدعلی؛ ۱۳۹۰، تحلیل مقایسه‌ای آثار اقتصادی گردشگری خانه‌های دوم با گردشگری روزانه بر نواحی روستایی، با رویکرد توسعه پایدار، پژوهش‌های روستایی، سال دوم، شماره چهارم، صص ۳۳-۲۰.
۱۷. رضوانی، محمدرضا؛ بدری، سیدعلی؛ سپهوند، فرخنده و اکبریان رونیزی، سعیدرضا؛ ۱۳۹۱، گردشگری خانه‌های دوم و اثرات آن بر بهبود کیفیت زندگی ساکنان روستایی (مطالعه موردی: بخش رودبارقصران، شهرستان شمیرانات)، مطالعه و پژوهش‌های شهری و منطقه‌ای، سال چهارم، شماره سیزدهم، صص ۴۰-۲۳.
۱۸. رمضان‌زاده لسبویی، مهدی؛ ۱۳۹۰، پیامدهای تغییر کاربری اراضی در نواحی روستایی با تأکید بر توسعه گردشگری خانه‌های دوم (دهستان دوهزار، شهرستان تنکابن)، پژوهش‌های روستایی، سال دوم، شماره چهارم، صص ۷۴-۴۷.
۱۹. زرگر، اکبر؛ ۱۳۸۸، درآمدی بر شناخت معماری روستایی ایران، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، تهران.
۲۰. سازمان ایرانگردی و جهانگردی؛ ۱۳۸۱، برنامه ملی توسعه گردشگری، سازمان ایرانگردی و جهانگردی.
۲۱. سرتیپی پور، محسن؛ ۱۳۸۴، شاخص‌های معماری مسکن روستایی در ایران، نشریه هنرهای زیبا، شماره ۲۲، صص ۵۲-۴۳.
۲۲. سعیدی، عباس، ۱۳۸۷، دانشنامه مدیریت روستایی و شهری (جهانی شدن و روستا)، سازمان شهرداری‌ها و دهیاری‌های کل کشور، تهران.
۲۳. شارپلی، ریچارد؛ ۱۳۸۰، گردشگری روستایی، ترجمه رحمت‌الله منشی‌زاده و همکاران، چاپ دوم، انتشارات منشی، تهران.
۲۴. شاریه، ژان برنار؛ ۱۳۷۳، شهرها و روستاها، ترجمه سیروس سهامی، انتشارات نیکا، مشهد.
۲۵. ضیائی، محمود؛ صالحی نسب، زهرا؛ ۱۳۸۷، گونه‌شناسی گردشگران خانه‌های دوم و بررسی اثرات کالبدی آنها بر نواحی روستایی (مطالعه موردی: رودبار قصران)، پژوهش‌های جغرافیایی انسانی، شماره ۶۶، صص ۸۴-۷۱.
۲۶. علیقلی‌زاده فیروزجانی، ناصر؛ قدمی، مصطفی؛ رمضان‌زاده لسبویی، مهدی؛ ۱۳۸۹، نگرش و گرایش جامعه میزبان به توسعه گردشگری در نواحی روستایی (نمونه مورد مطالعه: دهستان کلیجان، شهرستان تنکابن)، پژوهش‌های جغرافیایی انسانی، دوره ۴۲، شماره ۷۱، صص ۴۸-۳۵.
۲۷. علیقلی‌زاده فیروزجایی، ناصر؛ بدری، سیدعلی و فرجی سبکبار، فرجی؛ ۱۳۸۶، نگرش جامعه میزبان به اثرات محیطی و اقتصادی گردشگری در نواحی روستایی (مطالعه موردی: بخش مرکزی شهرستان نوشهر)، فصلنامه علمی پژوهشی روستا و توسعه، دوره ۱۰، شماره ۱، صص ۲۲-۱.

۲۸. عنابستانی، علی اکبر و صاحبکار، ناهید؛ ۱۳۹۲، تحلیل مقایسه‌ای آثار گردشگری خانه‌های دوم بر توسعه سکونتگاه‌های روستایی از دیدگاه مالکان و اهالی (مطالعه موردی: دهستان شیرین دره، شهرستان قوچان)، فصلنامه گردشگری و چشم انداز آینده، سال سوم، شماره ۴، صص ۲۵-۷.
۲۹. عنابستانی، علی اکبر؛ ۱۳۸۸، بررسی آثار کالبدی خانه‌های دوم بر توسعه سکونتگاه‌های روستایی (مطالعه موردی: روستاهای بیلاقی شهر مشهد)، فصلنامه روستا و توسعه، دوره ۱۲، شماره ۴، صص ۱۶۶-۱۴۹.
۳۰. عنابستانی، علی اکبر؛ ۱۳۸۹، فرآیند شکل‌گیری خانه‌های دوم روستایی و عوامل مؤثر بر آن (مطالعه موردی: روستاهای بیلاقی غرب مشهد)، پژوهش‌های جغرافیای انسانی، شماره ۱۰۴، صص ۱۰۷-۱۰۳.
۳۱. عنابستانی، علی اکبر؛ سعیدی، عباس و درویشی، حسن؛ ۱۳۹۱، بررسی آثار اقتصادی، اجتماعی، کالبدی و زیست محیطی توسعه گردشگری در سکونتگاه‌های روستایی از دیدگاه گردشگران و روستاییان (مطالعه موردی: دشت ارژن - فارس)، مجله علمی تخصصی برنامه‌ریزی فضایی سال دوم، (پیاپی ۶)، شماره ۶، صص ۲۰-۱.
۳۲. فاضل نیا، غریب؛ کیانی، اکبر و رمضان‌زاده لسبویی؛ مهدی؛ ۱۳۹۰، تحلیل اثرات خانه‌های دوم بر ساختار روستاهای توریستی از نظر جامعه‌میزبان (مطالعه موردی روستای برسه، شهرستان تنکابن)، چشم‌انداز جغرافیایی (مطالعات انسانی)، سال ششم، شماره ۱۵، صص ۱۱۹-۱۰۲.
۳۳. فیروزنیا، قدیر؛ رکن‌الدین افتخاری، عبدالرضا و ولی‌خانی، محبوبه؛ ۱۳۹۰، پیامدهای گسترش ویلاسازی (خانه‌های دوم) در نواحی روستایی (دهستان تاررود شهرستان دماوند)، فصلنامه علمی - پژوهشی انجمن جغرافیای ایران، دوره جدید، دوره نهم، شماره ۳۱، صص ۱۷۰-۱۴۹.
۳۴. قادری، اسماعیل؛ ۱۳۸۲، نقش گردشگری روستایی در توسعه روستایی پایدار، رساله دوره دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، استاد راهنما عبدالرضارکن‌الدین افتخاری، دانشگاه تربیت مدرس، تهران.
۳۵. قادری، زاهد؛ ۱۳۸۳، اصول برنامه‌ریزی توسعه پایدار گردشگری، چاپ اول، انتشارات سازمان شهرداری‌ها و دهیاری‌ها، تهران.
۳۶. قدمی، مصطفی؛ علیقلی‌زاده فیروزجایی، ناصر و بردی‌آنا مراد نژاد، رحیم؛ ۱۳۸۹، بررسی نقش گردشگری در تغییرات کاربری اراضی مقصد، مطالعات و پژوهش‌های شهری و منطقه‌ای، سال اول، شماره سوم، صص ۴۲-۲۱.
۳۷. گلین مقدم، خدیجه؛ ۱۳۸۸، روند شکل‌گیری و گسترش خانه‌های دوم در حوزه‌های جنگلی - کوهستانی شمال کشور در طی سال‌های ۸۵-۱۳۴۵، فصلنامه چشم‌انداز جغرافیایی، سال چهارم، شماره ۹، صص ۲۱۰-۱۹۱.
۳۸. مهدوی حاجیلویی، مسعود؛ قدیری معصوم، مجتبی و سنایی، مهدی؛ ۱۳۸۷، نقش و تأثیر خانه‌های دوم بر ساختار اقتصادی، اجتماعی ناحیه کلاردشت، پژوهش‌های جغرافیای انسانی، شماره ۶۵، صص ۳۲-۱۹.
۳۹. نصر، سیدحسین؛ ۱۳۸۵، معرفت و معنویت، ترجمه انشاءالله رحمتی، تهران.
40. Aleskogius, H., 1993, **Recreation cultural life and Tourism**, National Atlas of Sweden, Stockholm: SNAG.
41. Müller, D. K., 2002, **Second home ownership and sustainable development in Northern Sweden**, Tourism and hospitality research, 3(4), 343-355.
42. Farstad, M. & Fredrik Rye, J., 2013, **Second home owners, locals and their perspectives on rural development**, Journal of Rural Studies, 30 (1) :41-51.
43. Fredrik Rye, J., 2011, **Conflicts and contestations. Rural populations' perspectives on the second homes phenomenon**, Journal of Rural Studies, 27 (2) 263-274.
44. Johnston, R.J., 1988, **Dictionary of Human Geography**, Second edition, Blackwell, Oxford.
45. Kondo, M. C., Rivera, R. & Rullman J. S., 2012, **Protecting the idyll but not the environment: Second homes, amenity migration and rural exclusion in Washington State**, Landscape and Urban Planning, 106 (2): 174- 182.

46. Mathieson, A. & Wall, G., 1982, **Tourism: Economic, Physical and Social Impact**, Harlow, Longman.
47. Muller, D. K., 2004, **Mobility, ourism and econd homes**. In LEW, A.A., Hall, C.M. and Williams, A.M. (Eds) *A companion to Tourism*, pp.387-398. Oxford: Blackwell.
48. Oliver, T. and Jenkins, T., 2003, **Sustaining Rural Landscapes: the role of integrated tourism**, *Landscape Research*, 28(3), 35-48.
49. Sharpley, R and J., 1977, **An Introduction to Rural Tourism**, International Thomson Business Press, UK.
50. Sharpley, R., 2002, **Rural Tourism and the Challenged of Tourism Diversification: The Case of Cyprus**, *Tourism Management*, vol 23. PP. 233-344.
51. Sharpley, R., 2002, **Rural tourism and the challenge of tourism diversification: the case of Cyprus**, *Tourism management*, 23(3), 233-244.
52. Vepsa` la`inen, M., & Pitka`nen, K., 2010, **Second home countryside. Representations of the rural in Finnish popular discourses**, *Journal of Rural Studies*, 26 (1) 194–204.
53. Smith, V. L., 1992, **Tourism alternatives: Potentials and problems in the development of tourism**, University of Pennsylvania Press.
54. William, A.M. and Hall, C.M., 2000, **Tourism and Migration: New relationships between production and consumption**, *Tourism Geographies*, 2(1), 5-27.
55. Yutaka, Arahi., 1998, **Rural Tourism in Japan**, The regeneration of rural communities Tokyo, Japan.